

مطالعات قرآنی خاورشناسان

تقی صادقی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

و کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

اروپا در دهه‌های پایانی قرن هجدهم میلادی شاهد پیدایش مکاتب سیاسی و نظریه‌های فکری گوناگونی بود. این تحولات زمینه دگرگونیهای بسیاری را در مفاهیم، اصطلاحات و فرهنگ جهانی پدید آورد. از میان این پدیده‌های نوظهور، که بر اندیشه انسان غربی و نیز روند تحولات آینده شرق تأثیر نهاد، می‌توان به «خاورشناسی» (orientalism) اشاره کرد. شکل اسمی این اصطلاح (orientalist) که به معنای «دانشجوی شرقی» بود، برای نخستین بار در سال ۱۷۸۰ م. در فرهنگ انگلیسی رخ نمود.^۱ پس از آن در سال ۱۸۱۲ م. فرهنگ آکسفورد آن را در مفهوم خاورشناسی به کار برد.^۲ تقریباً در همین سال‌ها فرهنگ فرانسه پذیرای این مفهوم و اصطلاح گردید.^۳ فرهنگ‌نویسان غربی در نخستین تعریف‌های خویش آن را چنین بازشناساندند: «مجموعه مطالعاتی است که غربی‌ها درباره دین، زبان، تاریخ، ادبیات و دیگر امور مربوط به شرق انجام می‌دهند.^۴» بنابراین، هر کس درباره یکی از موضوعات شرق می‌نوشت، می‌گفت یا مطالعه می‌کرد «خاورشناس» نام می‌گرفت.

دیری نباید که منتقدان غربی و شرقی، از منظرهای گوناگون و با ادبیاتی متفاوت این پدیده را به چوب نقد نواختند. آنان معتقد بودند حقیقتی آن سوی اصطلاح خاورشناسی وجود دارد که بنیانگذارانش دانسته یا ندانسته درصدد پنهان کردنش هستند. بنابراین، منتقدان کوشیدند پرده از این راز برگیرند و ابهام‌های نهفته در آن را باز نمایانند.^۵ این نقدها را در ابهام‌های سه گانه ذیل می‌توان بازگفت:

الف. تیرگی قلمرو تاریخی اصطلاح: در این تعریف دامنه تاریخی مطالعات ناگفته مانده است. پرسشگران می‌پرسیدند، به راستی مطالعات کدامین دوره تاریخی غرب درباره شرق خاورشناسی است. آیا هرگونه مطالعه غربی و در هر زمانی را می‌توان شرق‌شناسی خواند.

ب. ابهام در ماهیت پدیده: ذهن خوگرفته با رؤوس ثمانیه می‌پرسید، اساساً خاورشناسی چه هویتی دارد. رشته علمی گسترده، مکتبی سیاسی یا یک روش علمی مستقل است. چه آن که این تعریف هیچ‌گاه از ماهیت خاورشناسی سخن نگفته است.

ج. ناپیدایی قلمرو جغرافیایی: به راستی شرقی که غرب در صدد شناخت آن است کجا است؟ حتی خود غرب در کدام مختصات جغرافیایی می‌گنجد؟ می‌دانیم که اولاً مفاهیم جغرافیایی همواره در حال دگرگونی و تحولند. روزگاری بخشی از کره خاکی «غرب» نامیده می‌شد و امروزه منطقه‌ای شرقی به شمار می‌آید. ثانیاً شرق در اصطلاح جغرافیایی، همان آسیا است اما مطالعات خاورشناسی، آسیا و آفریقا را موضوعی یکپارچه و واحد می‌انگارد. مهم‌ترین پرسشی که ادوارد سعید آن را در میان افکند، مفهوم شرق نهفته در خاورشناسی است. جان کلام او آن است که شرق خاورشناسی مفهومی فراجغرافیایی دارد؛ یعنی ترکیبی از مفهوم جغرافیایی و فرهنگی است. از نگاه او وقتی از شرق خاورشناسی سخن می‌رود، باید فضای ذهنی انسان غربی را بازکاوید و پیوندهای تاریخی این واژه را در ضمیر او بازجست. او - که برچند راه سنت‌های عربی، اسلامی، مسیحی، شرقی و غربی ایستاده، کوله‌باری از تجربه‌های تلخ و شیرین استعمار، آوارگی و مبارزه را بر دوش می‌کشد - آن‌گاه که می‌خواهد شرق را از نگاهی غربی وصف کند این‌گونه می‌نویسد:

شرق از دیرباز خاستگاه ماجراهای عاشقانه، آدم‌های بیگانه، خاطرات و سرزمین‌های به یادگار ماندنی و تجربیات برجسته بود. انسان شرقی نمی‌تواند نماینده خویش باشد، کسی باید نماینده آن‌ها شود، دقت عمل در ذهن انسان شرقی امری منجرکننده و شنیع است. انسان شرقی برخلاف انسان غربی فردی بی‌منطق است. دروغ‌گویی و عدم صحت عمل سحیة یک ذهن شرقی است. ذهن یک انسان شرقی مثل خیابان‌های بدیع سرزمینش به نحو بارزی فاقد تقارن و تناسب است. سرزمین عربی سرزمین افراط‌گری‌هاست. در این جا همه چیز جوانه می‌زند و هر فرد ساده‌لوحی می‌تواند به نوبه خود یک پیامبر شود... ۶

خاورشناسان در برابر این پرسش‌ها، بر سر دوراهی ایستاده بودند؛ یا باید به همه آنها پاسخ می‌دادند و به شیوه‌ای جدلی از کرده‌های خود دفاع می‌کردند و یا طرحی نو درافکنده و کاری دیگر پیشه می‌کردند. از این رو نخست آنان و طرفدارانشان بخش‌هایی از پرسش‌ها را پاسخ گفتند و ابهام‌ها را زدودند؛ اما سرانجام با گذر زمان و پیدایش افق‌های نوین خود نیز به این نتیجه رسیدند که «شیء‌انگاری» شرق و نگاه برتری‌جویانه به آن با حقایق موجود در خاور زمین ناسازگار است و حتی با منطق و منش علمی هم‌نوا نیست. ویلفرد کنت ول اسمیت پژوهشگر امور شرق و آفریقا در این باره چنین نوشت:

حاصل بیش از بیست سال مطالعه در مورد شرق و مدت کمی هم در مورد آفریقا مرا به این نتیجه رسانده است که عیب اساسی تمدن غربی ما در ایفای نقش خود در تاریخ جهان غرور و نخوت است که به کلیسای مسیحیت نیز سرایت کرده است.^۷

همچنین ویلیام مونتگمری وات که سخن اسمیت را از زبان او باز گفتیم می‌گوید: البته درست است که اروپاییان از نظر کاربرد علوم و فن‌آوری در جنبه‌های مادی زندگی بر اتباع خویش برتری عظیمی داشتند، لکن این افضلیت را با برتری اخلاقی اشتباه گرفتند و از این رو شرقی را از نظر اخلاقی موجودی پست‌تر پنداشتند.^۸

باری، ماجرای اصطلاح خاورشناسی بدانجا انجامید یافت که خاورشناسان در کنگره بیست و نهم به سال ۱۹۷۳ م. در پاریس، بر تغییر اصطلاح خاورشناسی به «مطالعات شرقی» رأی می‌دادند.^۹

بدین سان، از آن پس واژه‌های جدید مطالعات اسلامی، ایرانی، هندی و... جای اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی، هندشناسی و... را گرفتند. این جابه‌جایی، تاکتیکی فریبنده یا یک بازی زبانی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از تغییر نگرش پژوهشگران مطالعات شرقی به شمار می‌آید.

آنچه نوشته شد تنها گزارشی تاریخی از دگرگونی‌های گذشته بر نام و نشان خاورشناسی است و بر آن نیست تا جزم‌اندیشانه، دیدگاه‌های دیگران را درباره قلمرو تاریخی خاورشناسی نادیده انگارد. از این رو با این پیش‌دانسته که پدیده‌های فرهنگی بر بسترها و زمینه‌های ویژه خود استوارند این نوشتار خاورشناسی را به دوگونه عام و مصطلح تقسیم می‌کند. خاورشناسی عام همان است که پیش از این گفته شد؛ اما خاورشناسی مصطلح دوره

زمانی قرن هجدهم تا روزگار افول این اصطلاح را با همه ویژگی‌هایش دربرمی‌گیرد. با این توضیح و متناسب با موضوع مورد بحث، «مطالعات قرآنی» را در معنایی گسترده بر جای «خاورشناسی» می‌نشانیم و از مراحل آشنایی غربیان با قرآن و مطالعات آنان در سه دوره متمایز سخن می‌گوییم.

دوره نخست (قرن هفتم تا سیزدهم میلادی)

این دوره از قرن هفتم میلادی، آغاز فتوحات اسلامی در مناطق روم شرقی تا سیزدهم میلادی، پایان جنگ‌های صلیبی را دربرمی‌گیرد. در این دوره مسلمانان نخست به روم شرقی هجوم آوردند و با تصرف بخشی مهم از قلمرو این امپراتوری، تغییرات عمده زبانی، دینی و اجتماعی در آن پدید آوردند. شاید همین تغییرات بود که مردم این سرزمین‌ها را از تدوین آثاری درباره شناخت قرآن بی‌نیاز می‌ساخت. با این حال آزادی‌های گسترده‌ای که مسلمانان به اقلیت‌های دینی تحت حاکمیت خود می‌دادند باعث شد تا آنان به راحتی در صدد مناظره با مسلمانان برآیند و نگاهشده‌های بسیاری از خود بر جای نهند که برخی از آن‌ها امروزه نیز در دسترس است. آثار یوحنا دمشقی که به زبان‌های عربی و سریانی نوشته شده است از نمونه‌های برجسته این مناظرات هستند. همچنین می‌توان به ابن میمون و ابن کمونه یهودی اشاره کرد که آثاری در این باره به زبان عربی دارند؛ چنان که «تنقیح الابحاث عن الملل الثلاث» ابن کثونه معروف است.^{۱۰} وی در این اثر کوشیده است با نسبت دادن نقصهایی به قرآن و انجیل از آیین یهود حمایت کند.

در منابع اسلامی نیز می‌توان گزارش‌هایی از این آثار را به دست آورد. به عنوان مثال طبرسی در کتاب خود به نام «الاحتجاج» مناظرات بسیاری را از زنادقه، اهل کتاب و مشرکان گزارش کرده است.

پس از روم شرقی مسلمانان مناطق شمال آفریقا و اندکی بعد در اواخر قرن اول هجری سرزمین اسپانیا و ایتالیا را به تصرف خود درآوردند و در این منطقه (اندلس و سیسیل) نیز تحولات و آثار گسترده، بی‌نظیر و اعجاب‌انگیزی را به یادگار گذاشتند و بخش غربی تمدن اسلامی را در شهرهایی چون قرطبه (کوردوبا)، غرناطه (گرانادا)، طلیطله (تولدو) و صقلیه (سیسیل) پی نهادند. حضور مسلمانان در این دروه آن چنان پرهیبت و جاذبه بود که ثمری

جز شیفتگی و حیرت برای غریبان نداشت، چه آنکه اروپا پس از فتح اندلس توسط مسلمانان، یکباره خود را با فرهنگ و تمدنی بزرگ روبه‌رو دید در حالی که از خود جز گرفتاری چیزی نمی‌شناخت. این سخن معروف است که وقتی مسلمانان برای اولین بار از دریا گذشتند و به اسپانیا رسیدند، ساکنان آنجا در تمام هنرهای زندگی پرتجمل و اشرافی از مسلمانان عقب‌تر بودند و اقوام ساکن «پیرنه» هم، چنین وضعی داشتند.^{۱۱}

در آن دوران سیمای اقتصادی و اجتماعی اروپا تیره بود. نظام زمین‌داری و ارباب - رعیتی در اروپا بیداد می‌کرد. طبقه عادی جامعه در بدترین شرایط اجتماعی و فقر و بیچارگی زندگی می‌کردند. اربابان با کشاورزان روابط نادرستی داشتند.^{۱۲} گرانی، بیماری، قحطی و کمبود آذوقه مردم را وادار به گیاه‌خواری کرده بود.^{۱۳}

در جنبه‌های معنوی و ساختارهای اجتماعی نیز وضعیت اروپا بهتر از اوضاع ظاهری و اقتصادیشان نبود. با همین زمینه، پس از فتح اندلس، اروپا دریچه‌ای تازه در مقابل خود یافت. بنابراین در تلاش برای شناخت عوامل قدرت و شکوه تمدن اسلامی برآمد. از مظاهر این کوشش و شیفتگی می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

- هجرت جوانان اروپایی برای کسب علم به مراکز فرهنگی اسلامی به ویژگی اندلس؛
- برقراری روابط دوستانه میان دولت‌ها مانند رابطه میان رشید و شارلمان؛
- فرستادن هیئت‌های آموزشی رسمی به این مراکز؛
- ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها در اروپا به سبک سرزمین‌های عربی؛
- پذیرش اساتید و دانشمندان مسلمان برای تدریس در این مدارس همراه اساتید تحصیل کرده در کشورهای اسلامی؛

- انتقال فرهنگ علمی اسلامی به زبان لاتین که در آن زمان زبان علمی اروپا بود.^{۱۴}

اما در چنین اوضاعی کلیسای بیمار و ناتوان غربی احساسی متفاوت داشت. از این رو درصدد چاره برآمد و بدین منظور نخست چند تصمیم شبه فرهنگی گرفت که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- فرستادن برخی راهبان و طلاب علوم دینی مسیحی به مراکز اسلامی در اندلس و مراکش برای آموزش علوم عربی و اسلامی و به زعم خویش، یافتن نقاط ضعف و طرح شبهاتی پیرامون اسلام؛

- تأسیس مدارس علوم اسلامی و آموزش جوانان برای تخریب چهره اسلامی و جلوگیری از مهاجرت افراد به سرزمین‌های اسلامی.^{۱۵}

سرانجام پس از بازپس‌گیری شهر تولدو، نهضت ترجمه غربی را آغازیدند. در این مرکز آثار گوناگون اسلامی مانند آثار فلسفی، ادبی، فلکی، طبی و... به زبان لاتین ترجمه می‌شد. از جمله مهم‌ترین ترجمه‌های این مرکز، ترجمه قرآن کریم به زبان لاتین است. پیرمعزز رئیس صومعه دیرکلونی برای مبارزه با اسلام مجموعه‌ای به نام کلونیک یا تولدن فراهم آورد که در آن مطالب متنوع و گوناگونی در رد اسلام آمده بود، از جمله، ترجمه یاد شده به وسیله روبرت کتونی و هرمان دالماتی است که هر دو پیش از آن به ترجمه آثار علوم تجربی اسلامی می‌پرداختند.^{۱۶} این ترجمه به شهادت همه محققان غربی و شرقی ترجمه‌ای است غیرعلمی و متعصبانه، همراه مقدمه‌ای که در آن هدف از ترجمه تبلیغ علیه اسلام عنوان شده است.^{۱۷} ترجمه به گفته بلاشر پنج قرن معیار مجادلات و مشاجره‌های حاد و بیهوده مسیحیت علیه اسلام گردید. در عصر رنسانس نیز ظاهراً به همین اثر اکتفا شده بود.^{۱۸}

از دیگر آثار مجموعه تولدن اثر پیرمعزز با عنوان درباره‌ی کل بدعت کفار است. این کتاب شرح کوتاهی از تعلیمات اسلامی را دربردارد. کار دیگر وی «مجموعه‌ای درباره کفار (مسلمانان) و بر ضد کفرگویی‌های آنان» است. این کتاب ردیه مفصل‌تری علیه اسلام و مسلمانان است.^{۱۹}

محتوای عمومی و مشترک نگاشته‌های کلیسایی درباره قرآن و اسلام را، که تابع هیچ اصل عقلی و منطقی نبود، می‌توان به شرح ذیل گزارش کرد:

- اسلام دین شمشیر است. بدرود آلفونسو (متوفای ۱۱۱۰ م.) می‌پنداشت که تاراج و اسیر گرفتن و کشتن دشمنان خدا و پیامبران او و آزار و از بین بردن آنان به هر طریق ممکن از احکام شریعت اسلامی است.^{۲۰}

- اسلام دین دروغ، افسانه و خرافه است؛ چه آنکه می‌پنداشتند مسلمانان پرستندگان سی خدا، آدمخوار و بدعت‌گذارانی مسیحی-یهودی هستند که کتاب خویش را از منابع ادیان دیگر گردآورده‌اند.^{۲۱}

- اسلام دین تن‌آسایی، رفاه و تجمل است. یکی دیگر از اجزای تشکیل‌دهنده تصورات قرون وسطایی از اسلام موضوع بهره‌گیری جنسی نامحدود است که به نظرات این نکته از

ترجمه‌های نادرست قرآن پدید آمده است و حتی برخی می‌گفتند آیه‌ای یافته‌اند که زنا را مجاز می‌داند.

از نظر آنان اوج تجویز لذت جنسی، تصاویر ارائه شده از بهشت در قرآن است. وات با عصبانیت این ادعا را وقیحانه خوانده، می‌گوید: اگر چه این تصویرها در قرآن وجود دارد، اما بالاترین لذت‌ها در بهشت پیوستن به لقاء الله است.^{۲۲}

- پیامبر اسلام(ص) همان شخصیت ضد مسیح (دجال) است که به آن وعده داده شده است. (نعوذ بالله) در واقع، آن‌گونه که آقای وات نیز یادآور شده است، همه آنچه در این دوره به اسلام منسوب است، نه مبنایی علمی که دلیلی عاطفی و روانی داشته است؛ زیرا دستگاه مسیحیت در مقابل عظمت اسلام و مسلمانان احساس حقارت می‌کرد و با چنین اقداماتی می‌کوشید خود را از این عقده روانی برهاند، به ویژه آنکه می‌دانیم کلسیا پس از ناامیدی در تغییر اندیشه‌ها، جنگ‌های ویرانگر و طولانی صلیبی را راه انداخت و کوشید بذر کینه و نفرت از اسلام را در دل اروپاییان بکارد.

دوره دوم (قرن سیزدهم تا هجدهم میلادی)

با سپری شدن دوره اول، مرحله جدیدی از شناخت در برابر اروپاییان پدید آمد. این دوره، که با شکست مسیحیان در جنگ‌های صلیبی و متقابلاً شکست تقریبی مسلمانان در مناطق غربی و خروج آنان از اسپانیا آغاز شده بود، ویژگی‌هایی خاصی به شرح ذیل داشت^{۲۳}:

۱. کلیسای تحقیرشده و ضعیف به یکباره احساس توانمندی و اقتدار می‌کرد و می‌کوشید دیدگاه اروپاییان علاقه‌مند به اسلام را تغییر دهد و با موج عرب‌زدگی این مناطق برخورد قهرآمیز و رسمی نماید؛ چنان که چند قرن پس از خروج مسلمانان از اسپانیا دستور داده شد هیچ کس به عربی ننویسد و نگوید^{۲۴}. بدین ترتیب ابزار مهم مطالعه قرآن یعنی زبان عربی را حذف کرد.

۲. با ممنوعیت چاپ متن قرآنی و انتشار گسترده ترجمه غرض‌آلود از قرآن، بینشی نادرست در ذهن مردم نسبت به قرآن پدید آورد.

۳. با اعمال نظارت و سانسورهای دقیق بر نوشته‌های غربیان اجازه انتشار هرگونه

اطلاعات درستی را از مسیحیان دریغ نمود؛ چنان که یکی از شرط‌های لازم برای اجازه چاپ ترجمه قرآن نوشتن مقدمه‌ای اهانت‌آمیز درباره قرآن بود مانند ترجمه‌های دوریه و جرج سیل.

۴. در نتیجه اقدامات یاد شده و اعمال دیگر، سیل نگارش‌ها و ترجمه‌های قرآنی با تنوع موضوعی بیش‌تر پدید آمد. در این نگارش‌ها، تفسیرهای ناقصی از برخی آیات و سوره‌ها به نفع مسیحیت و نیز تشکیک در آموزه‌های قرآنی دیده می‌شود؛ مانند بحث از تناقضات قرآن، شبهه درباره آیاتی از قبیل (یا اخت هارون...) و استفاده از قرائت‌ها برای اثبات تفاوت و تعدد نسخه‌های قرآنی. در زیر برخی از آثار این دوره به اختصار معرفی می‌شوند:

- کتاب‌های «جدال علیه مسلمانان و قرآن»، «بر ضد قرآن محمد» و «ردی بر قرآن» اثر ریکولدو دامونته کروس. (۱۳۲۰-۱۲۴۲ م.) در این کتاب‌ها نویسنده رديه‌هایی را آورده است که مسیحیان علیه قرآن و اسلام نوشته‌اند، نوشته و رديه‌هایی را نیز از خود بر آن افزوده است.

- کتاب‌های «خنجر الایمان»، «سوره‌ای بر ضد قرآن»، «خلاصه‌ای بر ضد قرآن» و «افسار یهود» اثر رایموندو مارتینی. (۱۲۸۴ - ۱۲۳۰) این آثار تا چند قرن نمونه‌ای عالی از مجادلات دینی بین فقهای مسیحیت، اسلام و یهود به شمار می‌رفت.

- کتاب‌های «ترجمه قرآن» و «طعن مسلمانان باشمشیر روح» اثر سگویا. (۱۴۵۶-اواخر قرن چهاردهم) وی با هدف مقاومت در برابر اسلام راهی بهتر از نوشتن علیه اسلام نمی‌شناخت.

- افزودن مقدمه‌ها و ضمیمه‌هایی به ترجمه لاتینی قرآن با عناوین «پاسخ مختصری به بدعت‌گذاران و به فرقه مسلمانان یا بنی اسماعیل»، «مکتب محمد»، «میلاد و خاستگاه محمد» و «اخبار معیوب و خنده‌دار مسلمانان»، اثر بیلیاندر. (۱۵۶۴ - ۱۵۰۴)

- ترجمه و ردّ قرآن اثر گرمانوس سیلیزیایی. (۱۶۷۰ - ۱۵۸۸)

- ترجمه ایتالیایی غرض‌آلود و غیرمنطقی قرآن و نیز کتاب «پژوهشی پیرامون اسلام» اثر ماراکچی.

- «قرآن، معروف به قرآن محمد» اثر جرج سیل. این ترجمه دست کم ۱۲۰ بار به چاپ رسیده است. وی در این ترجمه پیامبر(ص) را متهم به تحمیل دینی ساختگی بر بشریت

نموده و از نسخه‌های گوناگون قرآن سخن به میان آورده است که به اعتقاد او از نظر محتوا با یکدیگر متفاوت‌اند. او وامداری قرآن را به کتاب‌های دیگر خاطر نشان می‌کند و وحی تدریجی را غریب می‌داند.

البته نمی‌توان از این نکته نیز چشم پوشید که در سده‌های آخرین این دوره جنبش اصلاح طلبانه مارتین لوتو و پیدایش عقل‌گرایی فضای متفاوتی را در بخش‌هایی از اروپا پدید آورد؛ چنان که برای نخستین بار با مساعدت مارتین لوتر متن عربی قرآن به چاپ رسید.^{۲۵} و تنها در سایه همین نهضت بود که نخستین نگارش‌های منصفانه درباره قرآن مانند کتاب «پیرامون دیانت محمدی» اثر ریلند پدید آمد.^{۲۶}

دوره سوم (قرن هجدهم تا کنون)

سرانجام در دوره خاورشناسی مصطلح (دوره سوم) حوادثی باعث شد نوعی تغییر نگرش در مطالعات دینی و به طور خاص مطالعات اسلامی در غرب به وجود آید که می‌توان به شماری از آن‌ها اشاره کرد:

۱. نهضت روشنگری (Enlightenment): این نهضت می‌کوشید همه گزاره‌ها و باورها را در پرتو عقلانیت تفسیر کند.

۲. پوزیتیویسم: پیروزی علم‌مداران در برابر دین‌مداران این باور را پدید آورد که تنها منبع شناخت حس و تجربه است. از این رو، بسیاری از آموزه‌های دینی مسیحیت حاکم به حاشیه رانده شد و حتی نفی گردید و زمینه را برای مطالعه انتقادی متون مقدس گشود. همچنین در زمینه مطالعات تاریخی تکیه بر اسناد و مدارک را تنها راه شناخت واقعیات می‌دانست.^{۲۷} بدین ترتیب راه را بر گفته‌های بی‌دلیل بست.

۳. پلورالیسم: نفی حقایق مطلق، شعار اساسی این مکتب است. در سایه این رویکرد زمینه پذیرش و مطالعه سایر ادیان و متون مقدس پدید آمد.

۴. ناسیونالیسم: گرایش‌های ملی‌گرایانه در اروپا، زمینه را برای ترجمه قرآن به زبان‌های گوناگون اروپایی فراهم آورد. در نتیجه امکان مراجعه مستقیم به متن عربی قرآن و نیز نادیده انگاشتن ترجمه‌های گذشته پدید آمد.

۵. استعمار: قرن نوزدهم اوج استعمارگری کهن است که امکان تماس مستقیم و نیز

شناخت حقیقی و عینی را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد. اگر چه روحیه استعمارگری دامان محققان را هم آلوده کرد و پرده غرور و نخوت چشمان بسیاری را بسته نگاه داشت. به این فهرست می‌توان، سکولاریسم، هرمنوتیک، مطالعات تطبیقی و... را افزود.

روی داده‌های یاد شده با همه معایب خویش می‌توانست درجه نوبنی در برابر غریبان بگشاید که اتفاقاً چنین شد؛ اما همیشه نتایج مثبت و دوست‌داشتنی همراه نداشت، بلکه حضور عناصر تبلیغی مسیحیت و فعالیت‌های فرقه‌های نوپدید از یک سو و ضعف و ناتوانی همه‌جانبه جهان اسلام و غرب‌زدگی بخش فعال آن از سوی دیگر، زمینه تضعیف ایمان دینی مردم و نیز تردید در آموزه‌های دینی و گسترش شبهات را به وجود آورد. با این حال، این دوره روند پسندیده‌تری نسبت به دوره گذشته در پیش داشت و درخشش آن هنوز هم قابل مشاهده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره آن است که در آن مسلمانان را نیز به طور فعال در فعالیت‌های قرآنی غریبان مشارکت دادند و دیگر آنکه با تخصصی شدن مباحث و علمی‌تر شدن فضای مباحثات، دامنه رد و نقدها به درون غرب راه یافت و در نتیجه پیش از آنکه خود مسلمانان به میدان نقد درآفتند، غریبان دیدگاه‌های یکدیگر را ارزیابی می‌کنند.^{۲۸} از مهم‌ترین عواملی که به شکوفایی این تحولات یاری داد و سامانی به مطالعات علمی بخشید نهاد خاورشناسی و تشکیلات وابسته به آن بود. در زیر می‌توان تعدادی از سازمان‌ها و ابزارهای وابسته به خاورشناسی را که در بسط اندیشه‌های شرق‌شناسانه به کار گرفته شده‌اند، مشاهده نمود.

۱. همایش‌ها و گردهمایی‌های خاورشناسی در کشورها و مناطق گوناگون جهان در این همایش‌ها که غالباً از نظم خاصی برخوردار هستند، پژوهش‌های انجام شده و بایسته‌های تحقیقی عرضه می‌گردد و از هم‌اندیشی روشنفکران مسلمان و غربی بهره گرفته می‌شود. شماری از این همایش‌ها عبارتند از: همایش قاهره سال ۱۹۰۶، ادینبورگ ۱۹۱۰، قدس ۱۹۲۲، مسکو ۱۹۶۴، لکهنو ۱۹۱۱، رم ۱۹۶۴.

در این گردهمایی‌ها حتی برخی از یافته‌های دانشمندان مسلمان برای نخستین بار عرضه، تحلیل و تصحیح می‌گردد؛ چنان که دیدگاه «ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن» از مهندس بازرگان در سال ۱۳۶۴ در آلمان عرضه شد و با آنکه خاورشناسان نظریه ریاضی او را چندان دریافته‌اند از آن استقبال کردند^{۲۹}.

آخرین همایش مهمی که نتیجه آن در قالب یک جلد کتاب با عنوان «رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن» چاپ گردید، عنوانی این گونه داشت: مطالعات تفسیری در آستانه قرن بیست و یکم.^{۳۰}

۲. مجلات و نشریات خاورشناسی

معمولاً هر یک از مجامع خاورشناسی نشریه ویژه خود را دارد که برخی از آن‌ها سابقه چند قرنی دارند. تعداد این مجلات امروزه بیش از سیصد عنوان است و آخرین یافته‌های پژوهشی خاورشناسان در این نشریات منتشر می‌شود.^{۳۱}

۳. مراکز، آکادمی‌ها، کرسی‌ها و دانشگاه‌های خاورشناسی

امروزه شاید هیچ پایتخت اروپایی را نتوان یافت که یکی از مؤسسات یادشده را در خود جای نداده باشد. گفتنی است این مراکز گاه در کشورهای اسلامی شعبه‌ها و نمایندگی‌هایی دارند و از حمایت‌های گسترده برخوردار هستند. در این مراکز جوانان اروپایی و مسلمان آموزش داده می‌شوند که برخی از روشنفکران مسلمان آموزش‌دیدگان همین دانشگاه هستند.

۴. انتشار گسترده آثار پیرامون اسلام و قرآن

هم‌اینک ناشران بسیاری در اروپا و آمریکا وجود دارند که بخش مهمی از فعالیت‌هایشان وقف مطالعات اسلامی و قرآنی است و به یقین تعداد آثار منتشر شده در این انتشاراتی‌ها کمتر از آثار چاپ شده در کشورهای اسلامی نیست. نکته مهم‌تر آن است که این مراکز از انتشار آثار موازی و تکراری تا حد بسیاری پرهیز می‌کنند و می‌کوشند رویکردهای نوین و مباحث جدیدی را مطرح نمایند که معمولاً نشر آن‌ها در جوامع اسلامی سبب ایجاد تنش و پرسش‌هایی می‌گردد.

گفتنی است در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۵۰، شصت هزار کتاب درباره اسلام منتشر گردیده است. همچنین در فاصله زمانی ۱۹۰۶ تا ۱۹۶۵ تعداد ۴۱۴۷۰ مقاله در این باره به چاپ رسیده است.^{۳۲}

مجموعه تحولات و فعالیت‌های گسترده یاد شده، دانشمندان بسیار و آثاری ماندگار را پدید آورد که امروزه نیز هرگونه مطالعه برون دینی و حتی درون دینی را تحت تأثیر خویش قرار داده است. فهرستی که مشاهده خواهید کرد بخش اندکی از نویسندگان و آثار قرآنی آنان است.^{۳۳}

ردیف	نام مؤلف	نام کتاب یا مقاله
۱	گوستاو ویل	مقدمه تاریخی - انتقادی بر قرآن، تورات در قرآن
۲	تئودور نولدکه	تاریخ قرآن، تاریخ قرائت رسمی قرآن با توجه به قرائت مصریان
۳	فردریش شوالی	تحقیق تاریخ قرآن
۴	گاتهلَف برگشتراسر	جزء سوم تاریخ قرآن، معجم قراء قرآن، قواعدی برای انتشار قرآن به شیوه انتقادی، تحقیق طبقات القراء اثر ابن جزری، تحقیق المحتسب اثر ابن جنی
۵	اتوپریتزل	همکاری در جزء سوم تاریخ قرآن، مراجع و علوم قرآن - تاریخ علم قرائت قرآن، تحقیق قراءت سبع اثر شیرازی، تحقیق فضایل القرآن، و آداب، تحقیق المشتبه فی القرآن اثر کسایب تحقیق معانی القرآن اثر ابن منظور
۶	رودی پارت	ترجمه قرآن، محمد و قرآن
۷	فولرس	مقالاتی درباره واژگان دخیل در قرآن چاپ شده در ZDMG
۸	بروکلمان	تاریخ ادبیات عرب (بخش قرآن) - مباحثی درباره تاریخ قرآن
۹	گایگر	مباحثی درباره معربات قرآن
۱۰	فرایتاگ	تحقیق و نشر تفسیر بیضادی
۱۱	گوستاو فلوگل	ترجمه قرآن، نجوم الفرقان فی اطراف القرآن
۱۲	هلموت ریتز	فهرست قرآن و حدیث در کتابخانه‌های استانبول
۱۳	هوسلایتر	فهرست تفسیر طبری
۱۴	رؤزف شاخت	برگزیده تفسیر طبری، خاستگاه‌های فقه اسلامی
۱۵	بومشتارک	نصرانیت و یهود در قرآن، مذهب تک اقنومی در قرآن
۱۶	فرانتس بوهل	مقاله‌ای درباره قرآن، تعریف اسلام
۱۷	مالیر	فهرست راهنمای قرآن
۱۸	یوزف هوروویتس	قرآن، اشتقاق لفظ قرآن، قصص قرآن، نام‌های خاص یهودی در قرآن، نبوت در قرآن، بهشت در قرآن، مباحث قرآنی

۱۹	یوزف هورویتس	قرآن، اشتقاق لفظ قرآن، قصص قرآن، نام‌های خاص یهودی در قرآن، نبوت در قرآن، بهشت در قرآن، مباحث قرآنی
۲۰	هنریش اشپیر	داستان‌های تورات در قرآن
۲۱	فرانکیل	واژگان دخیل در قرآن
۲۲	کارل هاینریش بیکر	قواعد زبان قرآن در پژوهش‌های نولدکه
۲۳	کاله	قرآن و عربی، قرآن
۲۴	یولیوس و لهاوزن	محمد در مدینه، بررسی‌هایی درباره اسلام، خوارج، شیعه و قرآن
۲۵	گریم	محمد
۲۶	هرشفلد	تحقیقی تازه درباره ترکیب و تفسیر قرآن
۲۷	اگوست فیشر	سوره پنجم قرآن، مطالعاتی درباره تفسیر قرآن

فرانسه

۱	فرانسیس بوتیه	ترجمه قرآن، تاریخ قرآن
۲	رژی بلاشر	درآمدی بر قرآن، در آستانه قرآن، ترجمه قرآن، قرآن در مجموعه چه می‌دانیم، مسئله محمد(ص)
۳	ساواری	ترجمه قرآن
۴	کازیمیرسکی	ترجمه قرآن
۵	اوکتاف بل	ترجمه قرآن، نگاهی به اسلام نزد قبایل بربر
۶	ژول لایوم	تفصیل آیات القرآن الکریم
۷	ژوزف هالیوی	سامریان در قرآن
۸	سیدرسکای	مصادر داستان‌های اسلامی در قرآن - قصص الانبیاء
۹	ستیل	متون در برخی اجزای قرآن
۱۰	جان کانتینو	تلوت قرآن در دمشق و الجزایر
۱۱	گریفو	پژوهشی در یک آیه قرآنی
۱۲	آنتوان گالان	ترجمه قرآن
۱۳	گارسین دوتاسی	اسلام بر مبنای قرآن

۱	ادوارس	تطور تاریخی قرآن
۲	رودول	ترجمه قرآن
۳	ریچارد بل	ترجمه قرآن، درآمدی بر قرآن، متشابه در قرآن
۴	ویلیام مونتگمری وات	مقدمه‌ای بر قرآن، محمد در مکه، محمد در مدینه
۵	آرتور جان آربری	ترجمه و تفسیر قرآن
۶	ویلیام ناسولیز	تحقیق تفسیر کشاف
۷	ویلیام بدویل	فهرست قرآنی
۸	ستوری	فهرست ادبیات قرآن
۹	آلفونس یوزف مینگانا	تأثیر زبان سریانی بر قرآن، اخبار متوکل در خلق قرآن
۱۰	بورکهارت	تورات، انجیل و قرآن
۱۱	مارگلیوت	نصوص قرآنی، ترجمه گزیده‌ای از تفسیر بیضاوی
۱۲	پالمر	پژوهشی درباره قرآن
۱۳	هورسفلد	پژوهشی نو درباره نظم و تفسیر قرآن
۱۴	تاسدول	مصادر اصیل قرآن

دانمارک

۱	بوهل	تحریف، پیرامون تشبیه و تمثیل در قرآن
۲	بدرسن	برهان معاد در قرآن

آمریکا

۱	آرتور جفری	تحقیق المصاحف اثر سجستانی، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، تصحیح و چاپ مقدمتان فی علوم القرآن، پژوهشی پیرامون مختصر شواذ القراءات اثر ابن خالویه، ابو عبید و قرآن، قرائت زید بن علی، شیوه نگارش قرآن در سمرقند، موادی برای مطالعه تاریخ نص قرآن (مصحف)
۲	چارلز سواری	مفردات قرآن

۳	کورمارازومی	مصاحف قرآن
۴	باتر	پژوهشی درباره قرآن
۵	اتینگهاوزن	قرآن در عهد سلجوقی

مجارستان

۱	ایگناتس گلدزهر	روش های تفسیری نزد مسلمانان، تحقیقات اسلامی، العقیده و الشریعه
۲	برنات هیلر	داستان اصحاب کهف، عناصر یهودی در اصطلاحات دینی قرآن، داستان های قرآن

روسیه

۱	سابلوکوف	ترجمه قرآن
۲	ایگناتی کراچ کوفسکی	ترجمه قرآن
۳	ویراج کوفسکی	نسخه های خطی قرآن از قرن ۱۶
۴	کاشتالیف	مصطلحات قرآنی در پرتویی جدید

بلژیک

۱	هنری لامنس	قرآن و سنت، چگونگی زندگی محمد(ص) گاهواره اسلام؛ قرآن و حدیث چگونه ترکیب شده است، اخلاص حضرت محمد(ص) عقاید و تعالیم اسلامی
۲	آرماند آبل	تأثیر مباحثات اسلامی - مسیحی در شکل گیری تفسیر قرآن

اتریش

۱	آدولف گروهمان	عیسی در قرآن
۲	کارل ولرز	قرآن به لهجه عامیانه مکی
۳	الویز اشبرنگر	محمد و قرآن، تحقیق الاتقان فی علوم القرآن اثر سیوطی

۱	اسنوک هورگرونیه	داستان ابراهیم در قرآن
۲	فت	محمد و قرآن
۳	وان جنیب	ابراهیم در قرآن
۴	آیتما	قرآن در اسلام
۵	کرامرز	ترجمه قرآن

۱	تورنبرگ	ترجمه قرآن
۲	سترستین	ترجمه قرآن

۱	بونلی	ترجمه قرآن
۲	گودی	شرح معتزله بر قرآن
۳	کارلونالینر	گزیده‌هایی از قرآن، نوشته‌های ماراکچی درباره قرآن
۴	ویرجینیا واکا	آیاتی از قرآن

گونه‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان

مجموعه مطالعات قرآنی خاورشناسان را می‌توان در دسته‌های ذیل جمع‌بندی کرد:

۱. تاریخ قرآن و موضوعات وابسته به آن

سبک و اسلوب ویژه قرآن و تفاوت آن با عهدین از نخستین مشکلات رویاروی خاورشناسان بوده است. یک خاورشناس که فضای ذهنی‌اش با عهدین خو گرفته و در فرهنگی غیراسلامی رشد کرده است، هنگام مطالعه قرآن احساس می‌کند، با متنی نامنسجم و غیرمنظم روبه‌رو است و نخستین فرضیه‌ای که در گمانش شکل می‌گیرد، احتمال نقص و ضعف جمع و تدوین قرآن و تفاوت آن با متن اولیه است. از این رو تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مطالعات تاریخی، باستان‌شناسی و نسخه‌شناسی به متن اصیل قرآنی دست یافته

و مشکل دیرفهمی قرآن را برطرف نماید. بدین‌سان به جست‌وجوی تاریخ‌پیدایش، شکل‌گیری، تثبیت و استمرار متن، نیز تفاوت قرائت‌ها و نسخه‌های قرآنی می‌پردازد.

اولین کوشش‌ها در این زمینه را فرانسویس بوتیه و پس از او گوستاو ویل و نولدکه، پی‌ریختند. نولدکه کوشید با بهره‌گیری از شیوه‌های تاریخی و متون روایی اسلامی و نیز مطالعات فقه اللغوی، تاریخ متن قرآنی را به دست آورد. پس از او برگشتراسر و پریترل کارش را ادامه دادند و اثر معروف «تاریخ قرآن» را به زبان آلمانی پدید آوردند. مهم‌ترین کاری که برگشتراسر در فرهنگستان «باواریا» انجام داد، گردآوری قدیم‌ترین نسخه‌های خطی قرآن برای یافتن متن اصیل قرآنی بود؛ اما هر چه پیش‌تر رفتند و آثار بیش‌تری گردآوردند، کم‌تر نتیجه گرفتند؛ زیرا تفاوت‌چندانی در میان مصاحف دیده نمی‌شد. همچنین برای تعیین تاریخ نزول آیات و سوره‌ها و نظم بخشیدن به واحدهای نزول، خاورشناسان مطالعاتی را درباره سبک و اسلوب بیانی قرآن، ویژگی‌های آیات مکی و مدنی، اسباب نزول، نسخ، روایات ترتیب نزول، شواهد و مضمون‌های تاریخی در قرآن انجام دادند. از این رو، به مطالعه قرائت‌ها و تاریخ قرائات روی آورده، آثاری را تصحیح، تحقیق و تألیف نمودند که موفقیت خاورشناسان در این زمینه بیش‌تر بوده است. دامنه پژوهش‌های خاورشناسان درباره تاریخ قرآن آن‌چنان گسترده است که می‌توان گفت پس از آن‌ها موضوعات تاریخ قرآن توسعه چندانی نیافته است.^{۳۴}

همچنین درباره موضوع یاد شده دیدگاه‌های مینگانا، گلدزیهر، ساخت، موتزکی، ونزبرو و جان برتون معروف و قابل تأمل است. از این کوشش‌ها نتایج گوناگونی به دست آمده است که هنوز هم سرآمد نظریه‌های تاریخ قرآن به شمار می‌آیند.^{۳۵}

۲. تحقیق و انتشار ادبیات قرآنی

این بخش از فعالیت‌های قرآنی خاورشناسان بیش‌تر جنبه عَرَضی و جنبی دارد؛ بدین معنا که آنان به هنگام مطالعه متون معتبر اسلامی، متوجه برخی ارزش‌های منبع‌شناسانه آن‌ها می‌شدند. از این رو درصدد تحقیق و نشر آن‌ها برمی‌آمدند. در این زمینه می‌توان به فعالیت‌های کم‌نظیر برگشتراسر، پریترل، جفری، اشپرنگر و فرایتاگ اشاره کرد. آنان آثاری مانند نمونه‌هایی که در بی‌می‌آیند، ذیل را تحقیق و منتشر کردند: غایة النهایة فی طبقات القراء، ابن جزری؛ المحتسب، ابن جنی؛ المختصر فی شواذ القراءات، ابن خالویه؛ التیسر فی القراءات السبع، ابو عمرو دانی؛ المقنع فی رسم مصاحف الامصار، ابو عمرو دانی؛ الايضاح فی الوقف و الابتداء، ابن انباری؛ فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام؛ المصاحف، سجستانی؛ مقدمتان فی علوم القرآن،

ابن عطیه؛ المحرر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ابن عطیه اندلسی؛ الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی؛ الفهرست، شیخ طوسی؛ کشف الاستار، شیخ طوسی؛ معانی القرآن، فراء؛ اسرار التأویل و انوار التنزیل، بیضاوی^{۳۶}.

بخش دیگر این فعالیت‌ها جنبه کمک پژوهشی دارند. در این باره می‌توان از تألیف معجم‌های لفظی و موضوعی یاد کرد که برای خاورشناس و مسلمان کم‌تر آشنا با متن قرآنی راهنمایی مؤثر و مفیدی تلقی می‌گردد، مانند نجوم الفرقان فی اطراف القرآن، اثر گوستاو فلوگل که نخستین معجم الفاظ قرآن و مبنای کار المعجم المفهرس اثر فواد عبدالباقی است. این اثر با آنکه اشتباهاتی در زمینه ریشه‌شناسی و بسامد کلمات دارد، اما کاری ارزشمند است و نیز تفصیل آیات القرآن الکریم اثر ژول لایوم فرانسوی، کوشیده است اولین معجم موضوعی قرآن را ارائه کند. درست است که این اثر ضعف‌های مهمی دارد، اما برای روزگار خویش بسیار ارجمند بوده است^{۳۷}.

۲. ترجمه قرآن

ترجمه قرآن در این دوره دو مرحله نسبتاً متفاوت را پشت سر گذاشته است. نخست مرحله قرن نوزدهم که در آن بسیاری از ترجمه‌ها به دلیل بهره‌گیری از ترجمه‌های دوره اول و دوم، استفاده از معادل‌های نارسا و زبان سنگین و مهجور از سلامت و اتقان کافی برخوردار نیستند. اما در مرحله دوم یعنی قرن بیستم بسیاری از اشکال‌ها برطرف گشته و ترجمه‌های خوبی عرضه شده است. البته در همین دوره مسلمانان نیز پا به عرصه ترجمه‌های اروپایی گذاشته، ترجمه‌های خوبی پدید آوردند.

۴. مطالعات محتوایی

پردامنه‌ترین موضوعات مورد بررسی خاورشناسان مطالعه در محتوا و داده‌های قرآنی است. این مطالعات خود به دو دسته توصیفی و تطبیقی تقسیم می‌شوند که بخش اخیر همواره از استقبال بیش‌تری برخوردار بوده و چالش‌های گسترده‌تری را پدید آورده است؛ زیرا از مفاهیمی گفت‌وگو می‌کند که در فرهنگ‌های مسیحی و یهودی وجود دارد. در این صورت ترجیح آن آموزه‌ها بر اطلاعات قرآنی چالش‌برانگیز خواهد بود. گفتنی است بخش داستان‌ها و اطلاعات تاریخی قرآن مهم‌ترین حوزه مطالعات تطبیقی می‌باشد.

نویسندگانی چون هورو ویتز، آدلو، هارگرونیه، هلر و سیدراسکای از فعالان این دسته

هستند.

اهداف و انگیزه‌های خاورشناسان در مطالعات قرآنی

بررسی اهداف و انگیزه‌ها هرگز به معنای حذف صورت مسئله و تخطئه‌گوینده نیست؛ بلکه مفهوم آن آگاهی از زمینه‌های تأثیرگذار بر نویسنده و نقشی است که این عوامل بر او دارند. چه بسا این آگاهی کار تحلیل و ارزیابی متن را ساده‌تر و منطقی‌تر نماید. مهم‌ترین این اهداف و انگیزه‌ها عبارتند از:

۱. انگیزه استعماری

تقارن یویایی خاورشناسی با اوج‌گیری استعمار کهن پیوندی پیچیده را میان آن دو پدید آورده است؛ زیرا از یک سو استعمار زمینه تماس مستقیم را برای پژوهشگران امور شرق ایجاد کرد و از سوی دیگر نتایج مطالعات خاورشناسان در تصمیم‌گیری‌های استعمارگران سودمند افتاد. با این حال خاورشناس با یک جاسوس و مأمور وزارت مستعمرات متفاوت بود و می‌کوشید استقلال خود را در جایگاهی علمی حفظ کند و به همین دلیل می‌گوید خاورشناسان دانشگاهی با خاورشناسان دولتی متفاوت بوده و گروه نخست کم‌تر به انگیزه‌های استعماری آلوده شده‌اند.^{۳۸}

نکته دیگری که بایسته یادآوری است تفاوت درجات این انگیزه در میان خاورشناسان بر اساس خاستگاه جغرافیایی آنان است؛ چنان که خاورشناسان آلمانی به دلیل عدم توفیق این کشور در استعمارگری از این انگیزه کم‌تر برخوردار بوده‌اند؛ اما انگلیسی‌ها که بیش‌ترین اشتغال را در استعمارگری داشتند، بیش‌تر به این انگیزه آلوده می‌شدند.

۲. انگیزه تبشیری

با آنکه تحولات درونی اروپا به تضعیف جایگاه کلیسا انجامیده بود، اما منافی که استعمارگران و مبلغان متعصب مسیحی به یکدیگر می‌رساندند سبب حضور و فعالیت مبلغان مسیحی در شرق و مطالعات شرقی می‌گردید. شناسایی این گروه و انگیزه‌هایشان که از خاستگاه‌های دیرینه صلیبی برمی‌خاست، کمک مهمی به تحلیل می‌نماید.

۳. انگیزه علمی و پژوهشی

حاکمیت فرهنگ پژوهش بر بخش‌های عمده‌ای از مجامع علمی غرب و تخصصی شدن دانش‌ها در کنار انگیزه‌های شخصی باعث رونق روزافزون این انگیزه گردیده است. کافی است نگاهی هر چند کوتاه به آثار دهه‌های اخیر انداخت تا این واقعیت آشکار گردد. چه

بسیارند کسانی که امروزه بی‌هیچ چشمداشتی و حتی بی‌آنکه مسلمانان بدانند به دفاع از دیدگاه‌های اسلامی می‌پردازند و این کار را وظیفه علمی خود می‌دانند.

۴. انگیزه حقیقت‌جویی

برای اثبات وجود این انگیزه نیز می‌توان فهرست مسلمان‌شدگانی را دید که در پی کشف حقیقت به مطالعات قرآنی روی آورده‌اند؛ همانند محمد اسد (لیوبولد فایس)، موریس بوکای و....

دانش‌ها و روش‌های خاورشناسان در مطالعات قرآنی

آگاهی از این نکته ضروری است که خاورشناسان در مطالعات قرآنی دقیقاً از روش‌های اسلامی تبعیت نمی‌کنند؛ بلکه به تناسب پیش‌دانسته‌ها و مطالعات گذشته خود، دانش‌ها و روش‌های متفاوت و متمایزی را در پیش‌گرفته و می‌گیرند. مقصود از دانش‌ها، علوم مستقلی هستند که خاورشناسان از آن‌ها برای پی‌گیری مباحث خویش بهره می‌گیرند و طبیعتاً هر یک از این علوم و روش‌ها، میانی فلسفی، کلامی و علمی ویژه خود را دارد و نتایج به دست آمده نیز بر اساس همین ابزارها و روش‌ها قابل شناسایی و نقد است. بنابراین بایسته است نخست با روش مطالعه میان رشته‌ای آشنایی دقیقی از این ابزارها و روش‌ها به دست آورد. پس از آن باید با استفاده از نشانه‌های درون‌متنی مانند تصریح یا اشاره مؤلف و علائم برون‌متنی مانند شناخت پیش‌فرض‌های نویسنده به تطبیق ابزارها و روش‌های یاد شده بر اثری مشخص پرداخت. به نظر می‌رسد این کار از برجسته‌ترین فعالیت‌های علمی در نقد آراء و اندیشه‌های خاورشناسان است. مهم‌ترین دانش‌ها و روش‌های به کار رفته توسط خاورشناسان در مطالعات قرآنی که پیش از آن دربارهٔ متون مقدس استفاده می‌شده عبارت‌اند از:

۱. دانش‌ها

۱-۱. باستان‌شناسی

باستان‌شناسی علمی است که از طریق حفاری و کشف اسناد و مدارک کهن به تعیین میزان وثاقت اطلاعات تاریخی می‌پردازد. این علم همواره در مطالعات تاریخی به کار می‌رفته است؛ اما در دوره‌های اخیر به کمک مطالعات انتقادی متون مقدس آمده دو وظیفه عمده را ایفا کرده است: نخست با یافتن نسخه‌های باستانی به تصحیح و تحقیق متون انجامیده است و دیگر آنکه به تعیین میزان وثاقت اطلاعات تاریخی موجود در متون مقدس

یاری می‌رسانده است. با اینکه در آغاز ارباب کلیسا از به کارگیری این ابزار ناخشنود بودند، اما پس از آن که مشخص شد یافته‌های این علم منافات چندانی با داده‌های عهدین ندارد، از آن استقبال کردند.^{۳۹}

پیش از جنگ جهانی دوم مطالعات باستان‌شناسی درباره قرآن آغاز شد؛ اما تقارن آن با جنگ این فعالیت را به سال‌های پس از جنگ کشاند. در نتیجه کوشش‌های محدود خاورشناسان اطلاعاتی از داده‌های تاریخی قرآن به دست آمد که بسیاری از آن‌ها مؤید قرآن است.^{۴۰} اما مواردی نیز وجود دارد که زمینه نقد و چالش را فراهم آورده است. به عنوان مثال، شخصی به نام اسمیت در مقاله‌ای ادعا کرد که با کاوش‌های باستان‌شناسی در شماری از مساجد اولیه اسلامی هیچ اثری از تغییر قبله تا پایان قرن دوم در این مکان‌ها به دست نیاورده است. در نتیجه شبهه تحریف مطرح شده است.^{۴۱}

۲-۱. زبان‌شناسی

با اینکه مطالعات سنتی زبان‌شناسی (فقه اللغة) از دیرباز در میان مسلمانان رواج داشته است، اما زبان‌شناسی جدید با بازنگری دانسته‌های پیشین و طرح موضوعات نوگام‌هایی بلند در توسعه مباحث زبانی متون مقدس از جمله قرآن برداشته است. در مواردی این دانش توانسته است نارسایی دانش اندیشمندان مسلمان را در گذشته جبران نماید؛ چنان که نوشته آرتور جفری و مینگانا در زمینه واژگان دخیل، بسیاری از این حقایق را بر دانشمندان معاصر آشکار ساخته و زمینه استمرار مطالعات زبان‌شناسی قرآن را پدید آورده است.^{۴۲} همچنین معیارهای نولده درباره شناخت زبان قرآن توانست آن را از محدوده تنگ لهجه‌ها برهاند و به نیکی جایگاه متعالی زبان قرآن را بشناساند. دانشمندی چون ایزوتسو با استفاده از مهارت‌های معناشناسانه و تکیه بر زبان‌شناسی تاریخی توانستند روش بدیعی را در تحلیل محتوای قرآن به کار بندند.^{۴۳}

از کنار کوشش‌های غربی در شناسایی نوع زبان عربی قرآن (شناخت لهجه‌ها) نیز نمی‌توان به سادگی گذشت، همچنان که مباحثی از الهیات تعمیم یافته مسیحی درباره اسطوره‌ای یا حقیقی بودن متون مقدس سایه خود را تا عمق جهان اسلام گستراند و در مواردی به پیدایش چالش‌هایی انجامید. آن‌گونه که خلف‌الله احتمالاً با بهره‌گیری از برخی یافته‌های غربی مدعی شد، زبان قرآن به ویژه در بخش داستان‌های اسطوره‌ای است.^{۴۴} چه آنکه پیش از او گروهی از غربیان گفته بودند چون بخش‌هایی از داستان‌های قرآن در

هیچ یک از منابع پیشین وجود ندارد، زبان قرآن، اسطوره‌ای است؛ یعنی با سبکی کاملاً ادبی حقیقت‌های خارجی را آراسته و عرضه کرده است.

البته در این میان گاه آثاری نیز یافت می‌شوند که علی‌رغم همه کوشش‌هایشان هرگز نتوانسته‌اند رنگی و جایگاهی علمی یابند و مقبولیتی حتی در غرب به دست آورند؛ چنان که اخیراً کتابی با عنوان قرائت آدومی سریانی قرآن از آن شخصی با نام مستعار «کریستف لوکسنبرگ» به چاپ رسید. او که گویا می‌پندارد همانند «کریستف کلمب» به کشفی بزرگ نائل شده است، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فراموش شده کسانی مانند فولوز مدعی شد: اولاً زبان عربی قرآن همان نیست که قرآن بدان نازل شده است و ثانیاً فرهنگ رایج روزگار نزول، فرهنگی سریانی بوده است. از این رو باید باری دیگر قرآن را بر مبنای تأثیرپذیری فرهنگی و واژگانی آن از سریانی بازخواند تا شاید این قرائت تازه، گره از گرفت و گیرهای تفسیر بگشاید.^{۴۵}

۳-۱. نسخه‌شناسی و خط‌شناسی

تطور خط، گوناگونی نسخه‌های به جامانده از متون کهن و گذر ایام و حوادث روزگار چه بسیار که ما را از دست یافتن به متون اولیه محروم کرده‌اند. چنین است که در همه فرهنگ‌ها و زبان‌ها مهارت نسخه‌شناسی و خط‌شناسی به کار تصحیح متون آمده و کوشیده است آن‌ها را بازسازی کند. پیدا است که در این کار، گاه بخشی از متن را اصیل و بخشی دیگر را غیراصیل می‌نامند، زمانی نسخه‌ای را بر دیگری ترجیح می‌دهند و در مواردی نیز می‌پندارند که اگر واژه‌ای را با تغییراتی اندک، گونه‌ای دیگر بخوانند، تناسب بیشتری میان لفظ و معنا پدید می‌آید. غریبان این مهارت را در تصحیح متون مقدس غیراسلامی به کار برده‌اند و از قضا نتایجی مطلوب به دست آورده‌اند. همین تجربه آنان را به اندیشه بازسازی متن قرآن برانگیخت و چند بار درصدد تصحیح متن مقدس اسلامی برآمدند؛^{۴۶} چه آنکه مصحف مسلمانان نیز کتابی کهن است و ریشه در چهارده قرن گذشته دارد. بزرگ‌ترین عیب این کار که مخالفت‌های بسیاری در پی داشت، آن است که از ماهیت قرآن غافل مانده است؛ زیرا هنوز هم مسلمانان معتقدند که قرآن، روایتی متواتر است و جنبه شفاهی آن نمی‌تواند از متن جداگردد. بنابراین هیچ کدام از پیشنهادات اصلاحی با معیارهای علمی منطبق نیست.

۴-۱. هرمنوتیک

هرمنوتیک در گذشته، علم تفسیر کتاب مقدس بود و در زمان‌های متأخر به علم تفسیر هر متنی تبدیل گردید. عمده‌ترین گرایش‌های هرمنوتیکی در تفسیر قرآن عبارتند از:

۴- ۱- ۱. هرمنوتیک سنت‌گرایانه: پیشگامان این روش شلاپرماخر و دپلتای هستند. آنان معتقدند که اولاً هر متن معنایی نهایی دارد و این معنا دست‌نیافتنی است. ثانیاً: متن به تنهایی نمی‌تواند مقصود نهایی را برساند؛ زیرا زبان و لغات واسطه‌هایی هستند میان فکر مؤلف و عالم واقع. بنابراین لغات جنبه عینی فکر و اندیشه جنبی ذهنی آن است.

برای دست‌یافتن به معنای نهایی باید هم مطالعات ادبی درباره متن انجام داد و هم زمینه‌های تاریخی پیدایش متن، ویژگی‌های نویسنده و احوال او را بررسی کرد. خاورشناسان این روش را درباره عهدین به ویژه انجیل به کار بسته‌اند. آنان معتقدند می‌توان این روش را در مطالعه قرآن نیز به کار گرفت. به همین دلیل در بسیاری از مطالعات خویش همواره حضور پیامبر(ص) را در پیدایش قرآن مهم تلقی کرده‌اند و به شواهدی مانند آیات (و لا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه...) اشاره نموده‌اند.^{۴۷}

۴- ۱- ۲. هرمنوتیک تأویل‌گرایانه: پیشگام این نظریه، گادامر، معتقد است که پیش‌فرض‌های هر کس نوع تفسیر او را می‌سازد. از این رو هیچ معنای نهایی از متون بر نمی‌آید؛ زیرا اولاً پیش‌فرض‌ها با یکدیگر متفاوت هستند و ثانیاً رابطه انسان با متن، رابطه دو سویه و دیالکتیک است نه رابطه‌ای یک سویه و از بالا به پایین. بنابراین، تفسیر مطالعه متن محور نیست؛ بلکه تنها کار مفسر استخراج پیام از متن است. بدین سان، الفاظ اصالت خود را از دست می‌دهند. متکلمان مسیحی این روش را برای نادیده انگاشتن رکاکت‌های اخلاقی و تناقضات تاریخی عهدین به کار گرفته و کوشیده‌اند این متون را از چالش‌ها برهانند. برخی از خاورشناسان پس از آنکه کوشیده‌اند جنبه الهی بودن قرآن را اثبات نمایند، به مسلمانان پیشنهاد می‌کنند برای رهایی از مشکلات تاریخی قرآن روش‌های به کار رفته در مطالعه عهدین را به کار گیرند و از اعتقاد به الهی بودن الفاظ قرآن دست شویند؛ چه آنکه اولاً متون مقدس آثاری زبانی هستند و زبان نیز پدیده و تجربه‌ای بشری است و ثانیاً هدف متن مقدس رهایی مخاطبان از گمراهی است و آنچه جاودانه می‌ماند، پیام است نه لفظ.^{۴۸}

۲. روش‌ها

۱- ۲. پوزیتیویسم

پوزیتیویست‌ها (فلاسفه تحصلی) معتقدند تنها منبع شناخت، حس و تجربه است و هر یافته‌ای که مبتنی بر این اصل نباشد فاقد معنا است. از این رو آنان تمام گزاره‌های کلی و غالباً دینی را بی‌معنا می‌انگارند. این روش در دو بعد معارف قرآنی و علوم قرآنی کاربرد

داشته است. نمونه کاربست آن در معارف قرآنی تفسیرهای علمی افراط‌گرایانه است که معمولاً به نفی حقایق ماوراء طبیعی انجامیده است. برخی خاورشناسان معتقدند اشارات قرآنی به موجودات ماوراء طبیعی مانند فرشتگان، جن و شیطان، برگرفته از آموزه‌های اعراب جاهلی است و گرنه قرآن درصدد تأیید این آموزه‌ها نبوده است. در علوم قرآنی نیز آنان تمام گزاره‌های کلی را نفی کرده‌اند و معتقدند برای معنادار شدن آن‌ها باید از گزاره‌های جزئی استفاده نمود^{۴۹}. آنان در مطالعه تاریخی نیز تنها نوشته‌های تاریخی را که قابل تجربه و حس هستند معتبر می‌دانند و از این رو هیچ یافته بازسازی شده‌ای را مقبول نمی‌پندارند.

۲-۲. روش بازسازی تاریخی (مکتب آنال)

این روش، که معمولاً در مطالعات تاریخی به کار می‌آید، معتقد است همواره منابع موجود، بهترین و اصیل‌ترین منابع نیستند؛ بلکه در مقابل این نوشته‌ها، که از تأثیرات حکومت‌ها و اکثریت برخوردار بوده‌اند، نانوخته‌های تاریخی نیز وجود دارند و اینها مهم‌تر و اصیل‌تر از منابع دسته اول‌اند. آن‌ها به کشف و شهود تاریخی بر اساس علائم و نشانه‌های به جای مانده از منابع مکتوب و غیرمکتوب و بازسازی آن‌ها معتقدند. بنابراین ممکن است در مقابل مشهورات تاریخی، حقایقی وجود داشته باشند که واقعیت‌های تاریخی را سامان می‌دهند^{۵۰}.

نمونه این مطالعه را در کتاب هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی، می‌توان باز یافت. با اینکه روش یاد شده معمولاً از سوی دانشمندان به نیکی پذیرفته شده است، اما اگر به درستی به کار گرفته نشود و اصول آن مراعات نگردد، نتایجی غیرعلمی به بار می‌آورد؛ چنان که بسیاری از حدسیات ناموزون و غیرمنطقی در گزارش‌های تاریخی خاورشناسان درباره قرآن بر همین مبنا بوده است.

ریچارد بل درباره قرار گرفتن آیات غیرمرتبط در کنار یکدیگر معتقد است تنها یک اشتباه نگارشی باعث پدید آمدن این حالت شده است بدین سان که پس از نزول آیات پیامبر(ص) جایگاه آن‌ها را مشخص می‌نمود و در مواردی کاتب نمی‌توانست آیات را در بین آیات دیگر بگنجانند و از این رو آن‌ها را در پشت صفحه می‌نوشت. اما ناسخان بعدی هنگام نوشتن متوجه نمی‌شدند و پس از اتمام نگارش آن‌ها را برای اینکه از دست نروند بدون مناسبت در لابه لای آیات می‌آوردند^{۵۱}.

همچنین نولدکه درباره حروف مقطعه با استفاده از بازسازی ذهنی خود معتقد است این حروف رمزهایی است برای نمایاندن نام صحابه‌ای که این سوره‌ها، استثنائاً در مصحف آنان بوده است. البته او خود بعدها بر اثر پیدایش نظریه‌های لوث و بوترا از این دیدگاه غیرعلمی دست شست؛ اما شاگردانش از قبیل پریتزل بر دیدگاه نخست استاد پای فشردند.^{۵۲}

۳- ۲. روش مطالعه قرآن بر اساس رویکرد ادبی^{۵۳}

رویکرد ادبی (Literal) در مقابل رهیافت سنتی (Traditional) مدعی آن است که متن را باید تنها مبتنی بر خود آن مطالعه کرد و از دخالت دادن سنت پرهیز نمود. در این رویکرد سنت به معنای مجموعه پیوندهای چسبیده به متن هستند که عوامل گوناگونی مانند پیش‌دانسته‌ها و پیش‌فرض‌ها اعم از روایات، تاریخ اسطوره‌ها، داستان‌ها و شرایط محیطی آن را پدید آورده‌اند و همواره هنگام مطالعه متن، ذهن خواننده را به سمتی خاص و حتی برخلاف متن سوق می‌دهند. نمونه آن آیه ۵۳ سوره یوسف (ع) است که همواره تصور می‌شده است بخشی از گفتار یوسف (ع) است و به همین دلیل مباحث کلامی گوناگونی را در پی داشته است؛ اما در مطالعه ادبی روشن می‌گردد که این گفتار از آن زن عزیز (زلیخا) است. از این رو مباحث کلامی یاد شده موضوعیت خود را از دست می‌دهند، در مقابل آنان، طرفداران رویکرد سنتی معتقدند بدون توجه به سنت‌ها ممکن است فهمی واژگونه از متن و برخلاف مقصود الهی به دست آید؛ چنان که در موارد آیات متشابه و نسخ و حتی آیات الاحکام این اشکال رخ می‌نماید.

در میان خاورشناسان، رودی پارت، مترجم آلمانی قرآن و نیز، ایگناتی کراچکوفسکی، مترجم قرآن به زبان روسی، از پیروان رویکرد ادبی هستند که در ترجمه‌هایشان از هیچ متن تفسیری بهره نگیرند.^{۵۴} مهم‌ترین اثری که در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از این روش در غرب به چاپ رسید، «ساختارهای ادبی مفهوم دینی در قرآن» است. بعدها این رویکرد توسط مسلمانانی از قبیل امین الخولوی، محمد خلف‌الله، ابوزید و بنت الشاطی پی گرفته شد و آثاری نیز بر اساس همین روش پدید آمد که به چالش‌هایی در جامعه علمی جهان اسلام انجامید.^{۵۵}

در این میان کسانی چون «توشی هیکو ایزوتسو» که متوجه این اشکال شده بودند و هر دو رویکرد را دارای خطاها و نواقص می‌دانستند، با استفاده از نظریه زبان‌شناسی تاریخی و بهره‌گیری از مهارت‌های معناشناسانه به مطالعه ادبی با گرایشی نوین پرداختند و آثار

ارزشمندی چون «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید» را به جای نهادند.

در این گرایش همه پیوندهای غیرزبانی حذف می‌شود. بنابراین مطالعات بوم‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخی و... معاصر پیدایش متن ارتباط خود را با متن به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از آن حفظ می‌کنند.

۴ - ۳. مطالعه بر اساس نظریه تاریخ نجات

تاریخ نجات (Salvation History) اصطلاحی مسیحی است که توسط «جان ونزبرو» درباره ماهیت منابع اسلامی، از جمله قرآن به کار گرفته شده است.

خلاصه این نظریه آن است که هیچ متن رسمی دینی تا زمان تشکیل یک امت و نیاز آنان به چنین متنی پدید نمی‌آید. بر اساس این نظریه همه ادیان نخست در قالب پیام‌های شفاهی یا به عرصه حیات می‌گذارند و پس از آن پیروانی به دست می‌آورند که آنان در فرآیندی طولانی به تشکیل امت و در نتیجه نظام‌مند کردن عقاید و احکام دینی‌شان می‌پردازند. در این هنگام با حذف زواید و دیدگاه‌های غیررسمی، متنی رسمی را به همگان عرضه می‌کنند و آنان را ملزم به تبعیت از این متن می‌نمایند. بنابراین منابعی که درباره این دوره تاریخی پدید آمده‌اند، هیچ یک متعلق به دوره اولیه نیستند؛ اما به گونه‌ای و می‌نمایند که در آن روزگار نوشته شده‌اند. ادعای ونزبرو آن است که متن قرآنی تا پیش از قرن سوم هجری وجود خارجی نداشته است؛ زیرا در این دوره است که نخستین ارجاع‌های قرآنی در منابع فقهی دیده می‌شود افزون بر آنکه هیچ متنی متعلق به پیش از این دوره در دست نداریم.^{۵۶}

پی‌نوشتها:

۱. شرق‌شناسی، ادوارد سعید، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۷ ه. ش. ص ۳۷۶.
۲. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ویلیام مونتگمری وات، ترجمه محمد حسین آریا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۳ ه. ش. ص ۱۸۱.
۳. آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیر، عمر بن ابراهیم رضوان، دارالطیبه، ریاض، بی‌تا، ص ۲۳.
۴. Oxford dictionary و Oxforduniversity press, p.18
۵. برای آگاهی تفصیلی از این انتقادهای منابع ذیل پیشنهاد می‌شود: شرق‌شناسی، ادوارد سعید؛ برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، وات؛ غریزدگی، جلال آل‌احمد؛ مجله مشکوة، شماره ۱۸ و ۱۹ «دیدگاه‌های شیعی کدکنی»: Encyclopaedia of Islam، مدخل orientalism.

۶. این جملات گزیده‌ای است از شرق‌شناسی، ادوارد سعید، ص ۱۴، ۴۷، ۷۴، ۷۵ و ۳۲۳.

۷. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۸۲.

۸. همان، ص ۱۵۵.
۹. مطالعات اسلامی در غرب، محسن الویری، ص ۴۳.
۱۰. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۴، ص ۵۲۵.
۱۱. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۴۷.
۱۲. تاریخ جنگ‌های صلیبی، احمد بن علی الحریری، تحقیق سهیل زکار، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۱۳ ه.ش. ص ۱۲.
۱۳. همان، ص ۱۳.
۱۴. الفكر الاستشرافی تاریخه و تقویمه، محمد الدسوقی، قم، اول، ۱۴۱۶ ه. ق، ص ۳۰-۲۸.
۱۵. همان، ص ۳۴.
۱۶. تأثیر اسلام در اروپا، ویلیام مونتمری وات، ترجمه یعقوب آژنکر، انتشارات مولی، تهران، اول، ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۱۴۶.
۱۷. رویکرد خاورشناسان به قرآن و تحلیل آن، تقی صادقی، فرهنگ گستر، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۴۰.
۱۸. در آستانه قرآن، رؤی بلاشر، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۱ ه.ش. ص ۲۹۳.
۱۹. رویکرد خاورشناسان به قرآن، ص ۴۲.
۲۰. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۴۴.
۲۱. رویکرد خاورشناسان به قرآن، ص ۳۹.
۲۲. اسپانیای اسلامی.
۲۳. تفصیل را در این منابع مطالعه فرمایید: رویکرد خاورشناسان به قرآن و تحلیل آن ص ۵۴-۴۴ و اسپانیای اسلامی، ویلیام مونتمری وات، ترجمه محمد علی طالقانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹ ه.ش، ص ۱۷۸-۲۱۰.
۲۴. اسپانیای اسلامی، ص ۱۲۳.
۲۵. برای آگاهی تفصیلی از نقش مارتین لوتر در چاپ متن عربی قرآن نگاه کنید به ترجمان وحی، ش اول، ص ۷۴-۸۳.
۲۶. موسوعة المستشرقین، عبدالرحمان بدوی، دارالعلم للملایین، بیروت، اول، ۱۹۸۴ م. ص ۱۹۱.
۲۷. آراء و اندیشه‌های محمد آرکون، محمد مهدی خلجی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ص ۷۰.
۲۸. نمونه‌هایی از این انتقادهای را می‌توان در آثار شخصیت‌هایی از قبیل هارالد ماتزکی (H. Motzki)، اندرو ری‌پین (A. Rippin) و وات مشاهده کرد. به عنوان مثال این آثار قابل مطالعه است.
- Approaches to the Quran I. Bullata; Approaches to the history of the Interpretation of the Quran, A. Rippin the collection of the quran, J. Butron, introduction to the qurqn, R. Bell.
۲۹. نشر دانش، ص ۶، ش ۱، ص ۷۲-۷۳.
۳۰. تفصیل این همایش را در این اثر ملاحظه فرمایید:
- Approaches to the history of the Interpretation of the Quran, A. Rippin.
۳۱. آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیر، ص ۵۳.
۳۲. رسالة القرآن، ش ۱۱، ص ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۱۸۱.
۳۳. آثار غربی درباره قرآن بسیار و شاید غیرقابل شمارش است. جهت تفصیل بیشتر به این منابع مراجعه فرمایید: نرم‌افزار اندیکس اسلامیکوس (Index Islamicus)؛ المستشرقون و الدراسات القرآنیة، محمد حسین علی الصغیر؛ آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیر، رضوان.
۳۴. برای نمونه آخرین تاریخ قرآن‌های نوشته شده در کشورهای اسلامی را با تاریخ قرآن نولدکه مقایسه فرمایید.

۳۵. جهت آشنایی با دیدگاه‌های صاحب‌نظران غربی این منابع را مطالعه فرمایید:

- Approaches to the history of the Interpretation of the Quran, A. Rippin.
- Introduction of the Quran, R. Bell.
- collection of the Quran, J. Burton.
- Quranic studies, J. Wansbrough.

۳۶. المستشرقون و الدراسات القرآنية، محمد حسين على الصغير.

۳۷. برای آگاهی بیشتر از شخصیت‌های یاد شده و آثارشان نگاه کنید به: رویکرد خاورشناسان به قرآن، ص ۸۷-۸۲.

۳۸. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۳۹. دایرة‌المعارف کتاب مقدس، ص ۷۸.

۴۰. Encyclopaedia of Quran, J.D.M.C.Auliffe, V 1, P.D 147-156.

۴۱. رویکرد خاورشناسان به قرآن، ص ۱۴۳.

۴۲. برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به واژگان دخیل در قرآن مجید، آرتور جفری، فریدون بدره‌ای و مقاله تأثیر زبان سریانی بر قرآن، آلفونس مینگانا.

۴۳. تفصیل این روش را در آثار ذیل مطالعه فرمایید: خدا و انسان در قرآن، توشی هیکوایزوتسو، احمد آرام؛ بنیادهای مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، توشی هیکوایزوتسو.

۴۴. برای مطالعه مستقیم دیدگاه خلف‌الله به اثر او با این نام مراجعه فرمایید: الفن القصصی فی القرآن، نقد مختصر این دیدگاه و نقد آن را در کتابی با این مشخصات مطالعه فرمایید: شبهات وردود، محمد هادی معرفت.

۴۵. برای تفصیل بیشتر درباره دیدگاه‌های لوکسنبرگ و نقد آن نگاه کنید به نشر دانش، ش ۱۰۷، ص ۴۵-۴۵۶.

۴۶. مطالعات قرآنی در غرب، به کوشش مرتضی کریمی‌نیا.

۴۷. تحلیل‌های روان‌شناختی از وحی مانند تحلیل تورآندران، گیب و درمنگهام از وحی را می‌توان در همین زمینه یادآورد. برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به رویکرد خاورشناسان به قرآن، ص ۱۶۹-۱۶۶ و

Literary structures of religious meaning in the Quran, I. Bullata.

۴۸. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۴۶.

۴۹. مذاهب التفسیر الاسلامی، جولدتسهر، ترجمه عبدالحلیم نجار، قاهره، ص ۱۶۵.

۵۰. آراء و اندیشه‌های محمد آرکون، محمد مهدی خلجی، ص ۸۳.

۵۱. Introduction to the Quran, R. Bell, Edinbrough university, 1963, P 87.

۵۲. Encyclopaedia of Islam, V. 7, P 413.

۵۳. برای دست یافتن به تفصیل این روش ضرورت دارد مطالعه‌ای میان رشته‌ای با بهره‌گیری از منابع زبان‌شناسی. تفسیری و ادبی انجام داد. بخشی از منابع چنین است:

۵۴. زبان‌شناسی تاریخی، آرلاتو؛ خدا و انسان در قرآن، ایزوتسو؛ Literary structures of religious meaning in the Quran;

۵۴. نقد الخطاب الاستشراقی، ساسی محمود سالم الحاج، دار المدار الاسلامی، بتغازی، لیبی، ۲۰۰۱ م، ج ۱، ص ۳۲۵.

۵۵. گلستان قرآن، ش ۱۵۸.

۵۶. مطالعات قرآنی در غرب، کریمی‌نیا.